



مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری دیوان بین‌المللی دادگستری International Court of Justice (ICJ) رای شماره ۲۰۲۳/۱۵ مورخ ۳۰ مارس ۲۰۲۳ خود را در خصوص دعوی جمهوری اسلامی علیه دولت آمریکا صادر کرده است. این رای در ۶۷ صفحه انشاء شده و دربرگیرنده ۲۳۵ بند مفصل گردشکار و ادعاها و استدلال‌های طرفین است و در بند ۱۲۳۶ آن ۹ بند به عنوان حکم به ترتیبی که در متن رای انشاء شده به شرح زیر است.

۱- رد اعتراض آمریکا رایج به پذیرش متحده به صلاحیت قضایی دیوان رایج به ادعای جمهوری اسلامی ایران در رابطه بانقض موادسوم، چهارم و پنجم عهدنامه مودت ۱۹۵۵ توسط دولت آمریکا که دیوان تایید می کند صلاحیت رسیدگی به این ادعا را تا حدسی که به بانک مرکزی مرتبط است، ندارد. (صلاحیت صدور حکم درباره شکایت ایران از آمریکا برای آزاد کردن دارایی‌های متعلق به بانک مرکزی ایران این حکم با رای ۱۰ به ۵ قضات دیوان تایید شده‌است.

۲- رد اعتراض آمریکا رایج به پذیرش دعاوی شماری از شرکت‌های ایرانی (که اموالشان از سوی آمریکا مسدود شده است) و رد استناد آمریکا مبنی بر اینکه شاکای ابتدا باید برای احقاق حق خود به مراجع داخلی کشور ذی ربط (یعنی آمریکا) مراجعه و در صورت عدم احقاق حق در صورت وجود امکان قانونی به مراجع بین‌المللی شکایت کنند. این حکم با رای ۱۳ به ۲ توسط قضات دیوان تایید شده‌است.

۳- تایید نقض تعهدات دولت آمریکا برابر پاراگراف ۱ از ماده ۳ عهدنامه مودت ۱۹۵۵. این حکم با رای ۸ به ۷ قضات دیوان تایید شده‌است.

۴- تایید نقض تعهدات دولت آمریکا برابر پاراگراف ۱ از ماده ۳ عهدنامه مودت ۱۹۵۵. این حکم با رای ۱۲ به ۳ قضات دیوان تایید شده‌است.

۵- تایید نقض تعهدات دولت آمریکا برابر پاراگراف ۲ از ماده ۴ عهدنامه مودت ۱۹۵۵. این حکم با رای ۱۱ به ۴ قضات دیوان تایید شده‌است. در این بند حکم نیز قید شده که منظور از بند ۲ ماده ۴ عهدنامه مودت آن است اموال اتباع و شرکت‌های طرف‌های متعاهد «باید تصرف شود مگر به جهت مقاصد عمومی و با پرداخت سریع غرامت عادلانه».

۶- تایید نقض تعهدات دولت آمریکا برابر پاراگراف ۱ از ماده ۵ عهدنامه مودت ۱۹۵۵. این حکم بین رای ۱۰ به ۵ قضات دیوان تایید شده است.

۷- حکم به پرداخت خسارات توسط دولت آمریکا به دلیل نقض تعهدات اشاره شده در بندهای ۳ تا ۶ بالا. (یعنی اینکه در بندهای ۳ تا ۶ بالا نقض تعهدات توسط دولت آمریکا پذیرفته و در این بند تایید شده است که آمریکا باید به دلیل آن نقض تعهدات خسارات پرداخت کند). این حکم با رای ۱۳ به ۲ قضات دیوان تایید شده است.

۸- حکم به اینکه در صورت عدم توافق بین طرفین در مورد خسارت (با توجه به اینکه کلمه خسارت compensation به صورت اطلاق به کار رفته است، می توان استنباط کرد که توافق شامل هر وجهی از وجوه خسارت مانند میزان و نحوه و زمان پرداخت خسارت خواهد بود) ظرف مدت ۲۴ ماه از تاریخ صدور حکم حاضر، دیوان به درخواست هر یک از طرفین ایران یا آمریکا، راسا موضوع را حل و فصل خواهد کرد.

و برای این منظور رویه رسیدگی پرورنده نزد دیوان محفوظ می ماند. این حکم با رای ۱۴ به ۱ قضات دیوان تایید شده است.

۹- رد تمامی ادعاهای دیگری که توسط طرفین مطرح شده است از جمله حکم به پرداخت هزینه‌های حقوقی توسط هر کدام از اطراف دعوی. این حکم در بدوین ذکر تعداد آرای قضات انشاء شده است.

۱۰- حاضر مورد تفسیرها و برداشت‌های گوناگون و متفاوت قرار گرفته است. بعضی از برخی ابعاد حقوقی رای تاکید کرده‌اند یا اینکه اصولا، موضع درست حقوقی ابراز نشده‌اند. در این مقاله به تحلیل و نقد مختصر برخی ادعاها و استدلال‌های مهم حقوقی طرفین دعوی و همچنین حکم صادره دیوان می پردازم.

اول – گردشکار و چگونگی مراجعه ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری

اگرچه چندین پرونده با ادعاهای مختلف حمایت دولت ایران از اقدامات تروپس علیه ایران در دادگاه‌های آمریکا اقامه شده‌اند ولیکن تقریبا همه شان از یک روند دادرسی تبعیت کرده‌اند و در دادرسی اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری هم مورد استناد قرار گرفته‌اند و یک مورد از آنها که نقش مهمی در این پرونده داشته است به عنوان نمونه مهم بررسی می شود.

پرونده پتسون علیه ایران Peterson v. Islamic Republic of Iran ۲۶۴ Y.D. SUPP ۴۶

۱- صدور حکم
در سال ۲۰۰۳، بازماندگان قربانیان حادثه انفجار در بیروت که منجر به کشته شدن ۲۴۱ نفر شد، دادخواستی را علیه ایران در دادگاه فدرال نیویورک مطرح کردند به خواسته مطالبه غرامت به سبب ادعای حمایت ایران از تروریسم. (اختصارا این پرونده به نام پتسون که نام یکی از بازماندگان است، مشهور است) مستند این ادعا قاعده حقوق بین‌الملل عرفی در این قانون هم استثنائاتی مانند انصراف از مصونیت دولت یک دولت یا دعوی مربوط به فعالیت‌های تجاری برای آن در نظر گرفته شده است. اما در سال ۱۹۹۶ اصلاحاتی به این قانون وارد شد و دامنه استثنائات را گسترده‌تر کرد و قربانیان حملات تروریستی نیز در جای جهان نیز می‌توانند در دادگاه‌های آمریکا



تیم حقوقی ایران در جلسه اعلام رای دیوان دادگستری بین‌المللی در خصوص شکایت جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده آمریکا

تحلیل حقوقی و نقد رای اخیر دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی ایران و آمریکا

پیچیدگی‌های حقوقی یک رای

به نام کلیتر استریم Clearstream در لوکزامبورگ قرار داشت که بخشی از این اوراق در اروپا وبخش دیگری به صورت فیزیکی در «سیتی بانک» نیویورک نگهداری می کرده است. از سال ۲۰۰۸ که تحریم‌های آمریکا و شورای امنیت برقرار شدند این پول هانیز مسدود و امکان هر گونه دادوستد و جابه‌جایی از بین رفت. لذا خانواده‌های قربانیان پرونده‌های آمریکا از جمله خانم فیناهاولیش Fiona Fionahavish برای دستیابی به باقی

غرامت دادخواست‌هایی را در دادگاه‌های لوکزامبورگ و این‌تالیا به خواسته ضبط این اموال رایز کردند. دادگاه برای بررسی درخواست شاکیان، دستور به توقیف این دارایی‌ها داد و بانک مرکزی ایران نیز به حکم توقیف پول‌های این بانک در لوکزامبورگ شکایت کرد. دادگاه لوکزامبورگ سرانجام رای داد که حکم دادگاه ایالات متحده در خاک لوکزامبورگ قابلیت اجرایی ندارد و این پول قابل اریه به شاکیان نیست. با این حکم، از داریی ایران رفع توقیف و احتمال مصادره آن به نفع شاکیان منتفی شد، اما این پول هنوز نمی‌تواند در اختیار ایران قرار بگیرد، زیرا همانند دیگر دارایی‌های بانک مرکزی، به دلیل تحریم‌های بانکی و مالی ایالات متحده، از راه‌های قانونی و متعارف قابل انتقال به ایران نیست.

۵- دادخواست و خواسته ایران به دیوان بین‌المللی دادگستری

ب- در ۲۵ خرداد ماه ۱۳۹۵ (۱۴ ژوئن ۲۰۱۶) دولت جمهوری اسلامی ایران با تقدیم دادخواستی به دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن اشاره به اقدامات ایالات متحده آمریکا در مورد ضبط و مصادره حدود ۲ میلیارد دلار از اموال بانک مرکزی و اموال سایر شرک‌تها و موسسات ایرانی و با تاکید بر اینکه این اقدام دولت واشنگتن با موازین حقوق بین‌الملل به‌ویژه معاهده بین دو کشور موسوم به «عهدنامه مویت و روابط قضادی و حقوقی» بین ایران و آمریکا «مضوب ۱۹۵۵ Treaty of Amity, Economic Relations, and Consular Rights

در تعارض است، خواهان دولت آمریکا تقاضای تطبیق اقدامات خود را با موازین بین‌المللی می‌کند. این پرونده اختصارا به Avena and Other Mexican Nationals (Mexico v. United States of America), ۱۲,۰۰۴ Judgment, I.C.J. Reports, ۲۰۰۴, General List No ۱۷۸

اشاره می‌کند. این پرونده اختصارا به Avena شهرت دارد و شرح مختصر پرونده آن است که دولت مکزیک علیه دولت آمریکا به دلیل نقض تعهداتش مطابق موازین بین‌المللی در مورد روابط کنسولی برای اتباع و شهروندان زندانی در سال ۲۰۰۳ دعوایی را در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرد. دیوان در آن پرونده ایالات متحده را به نقض تعهدات مطرح در کنوانسیون وین راجع به روابط کنسولی مقرر شناخت. استنادی که در آن پرونده توسط ایالات متحده مطرح و رد شد مشابه استنادلی بود که در پرونده حاضر با ایران وجود داشت به این معنی که دولت مکزیک باید به مراجع قضایی داخلی آمریکا مراجعه و طرح دعوی و سپس در مرجع قضایی بین‌المللی طرح دعوی می کرد.

۳- شرکت بودن یا نبودن بانک مرکزی در چارچوب عهدنامه مودت ۱۹۵۵ و خرق حجاب
موضوعی که بخش نسبتا عمده‌ای از رای دیوان بین‌المللی دادگستری را به خود اختصاص داده موضوع شرکت بودن یا نبودن بانک مرکزی ایران در چارچوب عهدنامه مودت ۱۹۵۵ است. استناد ایران مبتنی بر این نکته است که بانک مرکزی شرکت است و شخصیت حقوقی مستقل از دولت دارد و بنابراین اموالش هم مستقل است و نمی‌تواند موضوع خرق حجاب حکم دادگاه ایالات متحده قرار بگیرد. در اینجا اختلاف طرفین به‌طور مشخص راجع به تفسیر متفاوت از بنداول ماده سوم عهدنامه شکل گرفته است که می‌گوید: «شرکت‌هایی که طبق قوانین و مقررات مربوطه هر یک از طرفین متعاheadین تشکیل شده است، شخصیت حقوقی آنها شناخته خواهد شد.» عبارت Shall have their juridical status

۱- دکتربین دست ناپاک Unclean Hand
تئوری دست ناپاک در حقوق بین‌الملل یعنی اینکه دولت بایندهای که درخواست قانونی را مطرح می‌سازد خودش چندان بی‌گناه نبوده است و بر این اساس نباید از حمایت‌های قانونی بین‌المللی برخوردار بشود. در این دعوی نیز دولت آمریکا همچنان که در بند



تیم حقوقی ایران در جلسه اعلام رای دیوان دادگستری بین‌المللی در خصوص شکایت جمهوری اسلامی ایران از ایالات متحده آمریکا

حقوقی یک شرکت در وضعیتی که وجود دارد، اشاره می‌کند. دولت آمریکا ضمنا به موضوع خرق حجاب شرکت piercing the corporate veil هم اشاره کرده است (خرق حجاب شرکت یعنی اینکه ضوابط و مقررات مربوط به شرکت‌ها در قانون تجارت توسط مدیران رعایت نمی‌شوند و به این ترتیب دادگاه‌ها حجاب شخصیت حقوقی آنها را به عنوان شرکت کنار می‌گذارند و به رسمیت نمی‌شناسند). (بند ۱۲۸) (در مورد خرق حجاب شرکت می‌توانید مقاله زیر از اینجانب را نیز مطالعه کنید)

Piercing the Corporate Veil and Ambiguities in the Iranian Legal System: A Comparative Study with California J. Pol. & L ۱۳, ۲۰۰۹ (۲۰۰۲)

آنچه مشخص است اینکه در این مورد دامنه استدلال‌های طرفین گسترده بوده و نهایتا طبق بند اول احکام دیوان قضات دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرده‌اند که صلاحیت صدور حکم درباره مسدود شدن دارایی مسدود شده بانک مرکزی ایران را ندارند ولی البته دیوان می‌تواند درباره برخی دارایی‌های دیگر بعضی از شرکت‌های ایرانی که توسط مقامات آمریکایی مسدود شده‌اند، اظهار نظر کند و به همین خاطر هم در بندهای دیگری از حکم این دادگاه آمده که مسدود کردن دارایی‌های شرکت‌های ایرانی از سوی آمریکا غیرقانونی بوده است و واشنگتن باید مبلغی را که رقم آن بعدا مشخص خواهد شد، به عنوان غرامت پرداخت کند.

سوم – موضوعات دیگر پرونده

۱- پرداخت هزینه‌های دادرسی و حقوقی
هزینه‌های حقوقی در این نوع دعاوی و پرونده‌ها البته زیاد هستند و جمهوری اسلامی ایران بنا بر بند ۲۳۵ رای خواهان آن بوده است که دیوان حکم به پرداخت هزینه‌های حقوقی توسط خوانده یعنی آمریکا را هم صادر کند ولیکن دیوان در این دعوی به‌رغم محکومیت پرداخت نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مودت و پرداخت خسارت دولت آمریکا را به پرداخت خسارات دادرسی محکوم نکرده است. دیوان در توجیه این موضوع ضمن اشاره به ماده ۶۴ اساسنامه‌اش که مقرر می‌دارد هر یک از طرفین دعوی مخارج محاکمه مربوط به خود را متحمل خواهد شد مگر اینکه دیوان ترتیب دیگری مقرر دارد، می‌پویسد که دیوان هیچ توجیهی برای محکومیت آمریکا برای پرداخت هزینه‌های حقوقی نیافته است در حالی که در عرف قضایی داخلی همه کشورها و در عرف بین‌المللی هم محکوم پرونده باید خسارات دادرسی طرف محکوم را بپردازد و از این نظر توجیه دیوان قابل انتقاد به نظر می‌رسد. دیوان اتفاقا در این قسمت به عنوان مستند رای خودش به پرونده Democratic Republic of the Congo v. Uganda ۷ مورخ ۹ فوریه ۲۰۲۲ بند ۳۹۶ اشاره می‌کند که مطالعه آن پرونده نشان می‌دهد او گاندا در پرونده مورد اشاره دیوان با یکی از ادعاهای متقابل خود علیه جمهوری دموکراتیک کنگو پیروز شد و متعاقبا از ادعای خسارت خود صرف‌نظر کرد. در حالی که در پرونده حاضر ایران از هیچ کدام از ادعاهای خسارت خودش صرف‌نظر نکرده بود و توجیه دیوان از این نظر درست نیست.

۲- موضوع ۲۴ ماه وقت به طرفین برای مصالحه و در صورت عدم مصالحه رسیدگی دیوان
اما پس از ارایه تمامی مباحثات و استدلال‌ها پیرامون موضوعات مختلف حقوقی، تصمیم دیوان در بند هشتم توافق (توافقین دعوت به مذاکره) دعوت کرده است و هم مقرر کرده که اگر طرف‌ها در مذاکرات به نتیجه نرسینند، دیوان هم از طریق تلاش برای توافق و settle دوباره رسیدگی می‌کند که به نظر انشای جملات دیوان در بند ۸ حکم آن در این خصوص برخلاف شأن دکتربممتاز و مخالفت قاضی سباتیند Sebutinde

انجام شده است. چند نکته در این حکم آخر قابل توجه است:

۲/۱- دیوان در واقع به عبارتی طرفین را دعوت به توافق می‌کند. علی‌القاعده با توجه به اینکه مطابق بند ۱ احکام دیوان توقیف دارایی‌های بانک مرکزی خارج از صلاحیت دیوان اعلام شده است هر گونه توافق بین طرفین در این موضوع نیز خروج موضوعی از صلاحیت دیوان در آینده خواهد داشت و به عبارتی اگر طرفین در این مورد توافق نکنند دیگر نمی‌توانند پرونده توقیف اموال بانک مرکزی را بر اساس بند ۸ حکم به دیوان ارجاع دهند.

۲/۲- توافقی که دیوان طرفین را به آن حکم داده است از چه مسیری عبور می‌کند؟ از ایا جز طریق مذاکره حرف‌های اشخاص صلاحیت‌دار ممکن است؟ مگر بین ایران و آمریکا چنین مذاکره‌ای به صورت مستقیم می‌تواند انجام بگیرد؟ خیر. به نظر، مذاکره از طریق وکلای طرفین نیز راه بسیار پر هزینه‌ای است که بر طرفین تحمیل می‌شود.

۲/۳- دیوان دادگستری بین‌المللی بر اساس تصریح ماده ۹۲ منشور ملل متحد، رکن اصلی قضایی ملل متحد به شمار می‌آید و همچنین مهم‌ترین نهاد قضایی بین‌المللی است. صدور رای در دیوان بین‌المللی دادگستری باید با شأن قضایی آن مطابقت داشته باشد، اینکه مرجع قضایی طرفین را به مذاکره مجدد دعوت کند که تعیین خسارت کنند و اگر موفق نشدند مجدداً به دیوان مراجعه کنند تا دیوان راسا موضوع را رسیدگی و تصمیم‌گیری کند به نظر با جایگاه قضایی دیوان چندان مطابقتی ندارد.

۲/۴- س‌وال دیگری که مطرح می‌شود اینکه چرا دو سال تعیین وقت شده و مبنای تعیین دو سال از کجاست؟ مگر تعیین میزان خسارت و نحوه پرداخت تا چه اندازه کار دارد. اصولا طرفین دو سال برای چه چیزی باید چانه بزنند؟ امروزه موسسات حسابرسی در سراسر دنیا وجود دارند که متخصص در انجام این محاسباتند و نهایتا ظرف شش ماه همه موضوعات قابل جمع هستند. در ثانی خود دیوان هم می‌توانست طبق مواد ۵۰ و ۵۱ اساسنامه خود، در زمان رسیدگی از این موسسات نظرات کارشناسی آنها استفاده کند. در عبارت بندی دیوان هم در بند شماره حکم از عبارت settle استفاده شده به این معنی که اگر طرفین به توافق نرسینند دیوان راسا settle خواهد کرد. به نظر کاربرد این کلمه هم در جای خودش به عنوان حکم قابل بحث است؛ زیرا وظیفه دیوان settle کردن نیست و طرفینی که پس از دو سال settle نکرده‌اند، دیوان به عنوان مرجع قضایی توقیف می‌تواند بین این‌ها محکم به حق بودن یکی طرف و بی‌حقی طرف دیگر بدهد.

۲/۵- تصور کنیم که طرفین دو سال مذاکره کنند و به نتیجه‌ای نرسینند که با توجه به اینکه ممکن است دولت بعدی در ایالات متحده از جمهوری خواهان پرونده‌ای غیر محتمل نیست می‌آید باز هم دو سال دیگر کمتر یا بیشتر وقت رسیدگی دیوان را خواهیم داشت. در این زمان هم ممکن است موارد جدیدی حادث شوند که تاثیر گذار در قضیه باشند و روند رسیدگی را طولانی‌تر کنند و بر این اساس ما با پرونده‌ای مواجه هستیم که همچنان راه درازی را در پیش دارد.

نتیجه

۱- می‌توان این موضوع را درک کرد که در شرایطی که کنشکنش‌های سیاسی و بر تنش بین دو کشور وجود داشته باشد، انتخاب راه‌های حقوقی از جمله مراجعه به دیوان دادگستری بین‌المللی راهی است که هر دو طرف در ایران روی کار باشند بنا به وظیفه باید آن را در پیش بگیرد.

۲- دیوان در مورد اموال بانک مرکزی رای به عدم صلاحیت خود داده است. به نظر می‌رسد که اصولا هدف اصلی این دعوی بحث مصونیت دولت ایران و عدم صلاحیت دادگاه ملی آمریکا برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی بود که در صورت نتیجه‌بخش نبوده است. این رای دیوان یک نکته را هم تاز و عیان می‌سازد که موضوع استقلال بانک مرکزی را تا چه اندازه، باید جدی گرفت که نه تنها موضوعی است که رویای اقتصادی دارد، بلکه می‌تواند تبعات حقوقی هم داشته باشد.

۳- وجود عهدنامه مودت ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا از موجبات مهمی است که دولت جمهوری اسلامی ایران به واسطه آن، د‌عاوی خود را به دلیل نقض تعهدات مندرج در آن عهدنامه در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرده است. باید توجه داشت که دیوان‌های اقتصادی دارد، بلکه می‌تواند تبعات حقوقی هم داشته باشد.

۴- وجود عهدنامه مودت ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا از موجبات مهمی است که دولت جمهوری اسلامی ایران به واسطه آن، د‌عاوی خود را به دلیل نقض تعهدات مندرج در آن عهدنامه در دیوان بین‌المللی دادگستری اقامه کرده است. باید توجه داشت که دیوان‌های اقتصادی دارد، بلکه می‌تواند تبعات حقوقی هم داشته باشد.

۵- اگرچه محکومیت دولت آمریکا و حکم به پرداخت خسارت در مورد توقیف اموال جدای از اموال بانک مرکزی به دلیل نقض تعهدات مندرج در عهدنامه مورد پذیرش و حکم دیوان قرار گرفته است ولیکن اجرای این حکم خودش مسیر طولانی را در بر دارد و همچنان با مانع تحریم‌های ایالات متحده روبه‌رو است.

۶- در قسمت اجرای حکم دیوان می‌توانست در همین مرحله نیز اقدام کند ولیکن این کار را انجام نداده و به جای آن طرف‌های دعوی را به رسیدن به توافق (توافقین دعوت به مذاکره) دعوت کرده است و هم مقرر کرده که اگر طرف‌ها در مذاکرات به نتیجه نرسینند، دیوان هم از طریق تلاش برای توافق و settle دوباره رسیدگی می‌کند که به نظر انشای جملات دیوان در بند ۸ حکم آن در این خصوص برخلاف شأن قضایی دیوان است.